فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۹(۳(پیاپی ۳۵))، ۳۵-۲۳
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran، Civilica، RICeST، Ensani
شاپا: ۲۸۷۰-۲۳۴۵

بررسی رابطه بین مازاد منابع بانک‌ها با رشد قیمت سهام و عملکرد بانک‌های بورس اوراق‌بهادار تهران

یاسر نوعی دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
احمد یعقوب‌نژاد دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
زهرا پورزمانی* استاد گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
امیررضا کیقبادی استاد گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت: ۹۸/۱۲/۱۴ **پذیرش:** ۹۹/۰۳/۳۱

چکیده: مدیریت منابع در بانک‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. کمبود نقدینگی از یک‌سو علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین تأمین منابع، ممکن است بانک را تا ورطه ورشکستگی نیز بکشاند. از سوی دیگر نگهداری نقدینگی بیش‌ازحد موردنیاز، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و توان سودآوری را از بین خواهد برد. بنابراین برای مدیریت صحیح نقدینگی با کسب شناخت درست از تأثیرگذاری این عامل بر قیمت سهام بانک‌ها و عملکرد آنها می‌تواند از بروز مشکل یا حتی بحران، جلوگیری و سودآوری بانک را تا حد امکان بهینه کرد. یکی از روش‌های رایج در شناخت نحوه تأثیرگذاری متغیرها، استفاده از تحلیل‌های رگرسیون می‌باشد. این گونه تحلیل‌ها علاوه‌بر مشخص کردن جهت، میزان و شدت تأثیرگذاری عامل روی متغیرهای وابسته، رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را نیز تعیین می‌کند که این موضوع امکان پیش‌بینی را نیز برای مدیریت فراهم می‌کند. هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین مازاد منابع بانک‌ها با تغییرات قیمت سهام و عملکرد بانک‌ها برمبنای شاخص CAMEL می‌باشد. در این مطالعه با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از صورت‌های مالی ۲۲ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق‌بهادار شهر تهران طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، رابطه بین متغیرهای پژوهش بررسی شده است. نتایج نشان دادند بین مازاد منابع با قیمت سهام و عملکرد بانک‌ها، رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مازاد منابع، بانک‌ها، رشد قیمت سهام، شاخص CAMEL، سود سهام پرداختی، بورس اوراق‌بهادار
طبقه‌بندی JEL: G12, H54, K22, G24, D53

* نویسنده مسئول: zahra.poorzamani@yahoo.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

۱- مقدمه

رشد و توسعه پایدار هر کشور مستلزم هدایت صحیح منابع مازاد پس‌اندازکنندگان به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد است. چنانچه منابع مازاد پس‌اندازکنندگان از طریق بازارهای پولی کارا به سوی سرمایه‌گذاران و کسانی که امکان استفاده بهینه از آنها را در جهت رسیدن به اهداف کلان اقتصادی داشته باشند، هدایت شود می‌توان امیدوار بود اهداف برنامه‌های مشخص شده برای اقتصاد کشور محقق شود و از آنجا که بیشترین حجم مبادلات اقتصادی کشور از طریق سیستم بانکی تحقق می‌یابد، کارکرد صحیح نظام بانکداری کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود فعالیت‌های اقتصای خواهد داشت (بزرگ اصل و همکاران، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، سیستم بانکی یکی از بااهمیت‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور می‌باشد که با ساماندهی و مدیریت مناسب منابع و مصارف خود می‌تواند زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم آورد. با توجه به ارتباط عملکرد سیستم بانکی با بخش‌های کلان اقتصاد کشور، هرگونه بی‌ثباتی و بحران در آن می‌تواند موجب نوسان و اختلال در متغیرهای کلان اقتصادی بالاخص تولید شود. بنابراین بررسی عملکرد صنعت بانکداری کشور دارای اهمیت است. در بیشتر بانک‌ها، مدیران توجهی به سطح مطلوب منابع نمی‌کنند تا بتوانند مازاد نقدینگی که با آن مواجه می‌شوند را شناسایی کنند (احمدیان، ۱۳۹۲).

برخی از افراد اعتقاد دارند که بهره‌گیری از وجه نقد آزاد و کسب بازده موردانتظار از مازاد نقدینگی متأثر از نحوه عملکرد مدیریت است (موتمنی و همکاران، ۱۳۸۹). عده دیگری بر این نظر هستند که مقدار بالای دارایی جاری، نقدینگی شرکت را قوت می‌بخشد و باعث کاهش ریسک فقدان نقدینگی می‌شود. اما توجه به ظرفیت درآمدی میزان وجه نقد ناشی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، ممکن است قابلیت سودآوری را کاهش دهد. اگر مدیریت توان استفاده از منابع مازاد را نداشته باشد این وجه بیهوده و بدون هیچ نقشی در سودآوری بانک باقی می‌ماند. در مباحث وجوه نقد و مازاد منابع نباید تضاد بین مدیران و سهامداران را از نظر دور کرد. در دوران رشد اقتصادی، همان‌طور که ذخایر وجه نقد افزایش می‌یابد بانک با مازاد منابع روبه‌رو شده و مدیران با این تصمیم مواجه می‌شوند که آیا وجه نقد مازاد را در قالب تسهیلات سرمایه‌گذاری کنند یا با کاهش نرخ سود انواع سپرده‌ها از تحمیل هزینه مضاعف به بانک جلوگیری کنند. اینکه مدیران بین مصرف یا نگهداری وجه نقد مازاد مشروط به افزایش نیافتن هزینه عملیاتی بانک چه تصمیمی اتخاذ می‌کند از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف مدیریت وجه نقد آن است که با نگهداری سطح مناسبی از وجه نقد، ثروت سهامداران را افزایش دهد. مدیریت صحیح وجه نقد مازاد، باعث افزایش قدرت وام‌دهی بانک می‌شود. افزایش و کاهش قدرت وام‌دهی مستلزم توازن مازاد منابع در آینده است که این امر به‌نوبه خود منجر به تغییرات قیمت سهام بانک می‌شود (چگینی، ۱۳۹۴). بدیهی است با اطلاع از تأثیرگذاری اطلاعات بر قیمت سهام باید انتظار داشته باشیم که میزان مازاد منابع بر قیمت سهام بانک‌ها تأثیرگذار باشد.

با توجه به مطالب بیان شده، هدف از انجام این پژوهش بررسی ارتباط بین مازاد منابع بانک‌ها با تغییرات قیمت سهام و عملکرد بانک‌ها بر مبنای شاخص CAMEL جهت بهره‌مندی و استفاده مدیران بانکی و سرمایه‌گذاران بورس اوراق‌بهادار از نتایج پژوهش می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- فرضیه اول: وجود مازاد منابع منجر به افزایش قیمت سهام در بانک‌ها می‌شود.
- فرضیه دوم: وجود مازاد منابع منجر به بهبود عملکرد در بانک‌ها می‌شود.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

دبیری[1] و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین نقدینگی و سودآوری در پنج بانک اسلامی منتخب در انگلستان طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۵ پرداختند. در این مطالعه از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های توزیعی (ARDL) و علیت گرنجری استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از ARDL نشان دادند نقدینگی تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه دارد. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از آزمون علیت گرنجری جریان علیت یک‌طرفه یا دوطرفه بین نقدینگی و سودآوری در بانک‌های اسلامی را تأیید نکردند.

باسی و موسز[2] (۲۰۱۵) در پژوهشی نقدینگی و سودآوری ۱۵ بانک سپرده‌گذاری در نیجریه را طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۸ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی بررسی کردند. آنها دریافتند که رابطه معنی‌داری در بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان معیار سودآوری و بازده دارایی‌ها وجود دارد.

خان و علی[3] (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای از همبستگی و رگرسیون برای اندازه‌گیری رابطه بین نقدینگی و سودآوری بانک حبیب در پاکستان استفاده کردند. آنها دریافتند که بین نقدینگی و سودآوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

میزورابی[4] و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی رابطه سودآوری و نقدینگی پنج بانک در تانزانیا پرداختند. آنها از مطالعه طولی پانل، آزمون هوسمن و مدل اثر ثابت استفاده کردند و هیچ رابطه آماری معنی‌داری بین سودآوری و نقدینگی بانک‌های تانزانیا پیدا نکردند.

ب) پژوهش‌های داخلی

فرامرزی پارسا و صدری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی رابطه مدیریت نقدینگی با سودآوری بانک پاسارگاد پرداختند که برای انجام آن، داده‌های بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ با روش مقطعی گردآوری شده و با روش رگرسیون، فرضیه پژوهش تجزیه‌وتحلیل شده است. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش نشان دادند که مدیریت نقدینگی تأثیر مثبت و معناداری بر سودآوری بانک پاسارگاد دارد.

لعل خضری و دشتبانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مدیریت نقدینگی بر سودآوری ۲۱ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۱ پرداختند. در این مطالعه از چهار متغیر برای اندازه‌گیری نقدینگی که عبارتند از: بدهی کل بانک تقسیم بر کل دارایی‌ها، بدهی کل بانک تقسیم بر کل سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها (وام و پیشرفت) تقسیم بر کل دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های (وام و پیشرفت) تقسیم بر کل سپرده‌ها و برای تعیین سودآوری بانک از سه متغیر بازدهی مجموع دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و بازدهی سپرده‌ها، استفاده شده است. نتایج نشان دادند نقدینگی و مدیریت نقدینگی، عاملی مهم و تأثیرگذار بر عملکرد بانک (سودآوری) می‌باشد و شاخص مربوط به بدهی کل بانک نسبت به کل دارایی، بیشترین تأثیر مثبت را بر میزان سودآوری بانک دارد.

اسماعیل‌زاده و جوانمرد (۱۳۹۶) در پژوهشی به طراحی الگوی مدیریت ریسک نقدینگی و پیش‌بینی ریسک آن در بانک صادرات ایران براساس الگوی آریما پرداختند. با توجه به نتایج تخمین و مدل آریما، آمار احتمال برای وقفه‌های خودرگرسیو و میانگین متحرک کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده که حاکی از معنادار بودن ضرایب این وقفه‌ها و مناسب بودن الگوی آریما برای پیش‌بینی نقدینگی می‌باشد. همچنین براساس مدل آرچ و گارچ، ضرایب مربوط به معادله واریانس شرطی جمله اختلال منفی و معنی‌دار می‌باشد. بنابراین از مدل برآوردی برای پیش‌بینی ریسک نقدینگی می‌توان استفاده کرد.

رستمی و سلیمان‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به اندازه‌گیری میزان بهینه نقدینگی بانک ملت با استفاده از مدل برنامه‌ریزی آرمانی طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۱

1- Dabiri
2- Bassey &Moses
3- Khan &Ali
4- Mwizarubi

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

پرداختند. در این تحقیق صورت‌های مالی بانک بررسی شده است. از این رو پرسش‌نامه‌ای توسط ۳۰ نفر از خبرگان و استفاده‌کنندگان بانک ملت تکمیل گردید. به‌منظور بررسی اولویت نسبت‌های نقدینگی مؤثر بر نقدینگی، جدولی طراحی و اولویت نسبت‌ها با توجه به رتبه‌بندی معیارهای قضاوتی ترجیحات به کمک کارشناسان و مدیران باتجربه بانک نمره‌گذاری گردید. در این پژوهش، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP و نرم‌افزار EXPERT CHOICE برای تعیین ضرایب نسبت‌ها در تابع هدف استفاده شد. در نهایت مدل برنامه‌ریزی آرمانی با استفاده از نرم‌افزار GAMS ارائه شد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده تطابق میزان بهینه نقدینگی در بانک طی سال‌های مورد بررسی با میزان واقعی آن در حال حاضر می‌باشد.

۳- مبانی نظری

مدیریت منابع یکی از بزرگترین چالش‌هایی است که سیستم بانکداری با آن روبه‌روست. دلیل اصلی این چالش آن است که بیشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت تأمین می‌شود. علاوه بر این، تسهیلات اعطایی بانک‌ها صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی می‌شود که درجه نقدشوندگی نسبتاً پایینی دارند (علم‌الهدی، ۱۳۹۷). ناکافی بودن مقدار نقدینگی، بانک را در خطر ناتوانی در ایفای تعهدات روبه‌رو می‌کند و در نتیجه بانک در معرض ورشکستگی قرار می‌گیرد. همچنین وجود مازاد منابع، هر چند موجب کاهش ریسک می‌شود، ولی فرصت‌های سرمایه‌گذاری را از بانک گرفته و باعث کاهش بازدهی منابع بانک خواهد شد. وجود مازاد منابع به منظور کسب اطمینان از وجود جریان‌های مالی جهت پرداخت به متقاضیان سبب کاهش فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای بانک می‌گردد. علاوه بر این مدیریت هوشمند منابع، بانک را قادر خواهد ساخت تا به موقع و بدون خطا جوابگوی نیازهای مشتریان باشد. این امر سبب افزایش اعتبار نزد مشتریان و جامعه می‌شود. در مواقع کسری نقدینگی، استفاده از منابع بانک مرکزی به‌عنوان آخرین پناهگاه به صورت بلندمدت به دلیل نرخ بالای سود آنها، توان سودآوری بانک را کاهش می‌دهد. لذا با برآورد به موقع نیازهای نقدی سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات از طریق مدیریت منابع و ایجاد یک محدوده امن نقدینگی با صرف کمترین هزینه می‌توان سودآوری بانک را حفظ کرد (دلقندی و ایزی، ۱۳۹۵).

مدیریت نقدینگی بانک شامل پیش‌بینی نیازهای نقدینگی و تأمین آنها با حداقل هزینه ممکن است. مدیریت نقدینگی، مانند دیگر مدیریت‌ها، تقابلی بین ریسک و بازدهی است؛ زیرا نگهداری نقدینگی بیشتر در حساب‌های موجودی اسکناس و مسکوک، موجودی نزد بانک مرکزی، موجودی نزد سایر بانک‌ها و ذخیره قانونی، باعث کاهش ریسک می‌شود و هم‌زمان، فرصت‌های سرمایه‌گذاری را از بانک می‌گیرد و بازدهی بانک را نیز کاهش می‌دهد (یزدان‌پناه و عباسی پشتهانی، ۱۳۸۸).

به دو دلیل عمده، بانک‌ها به نقدینگی نیاز دارند: پاسخ به نوسانات پیش‌بینی شده ترازنامه بانک و جذب منابع جدید به‌منظور تخصیص و در نتیجه کسب درآمد. بر این اساس، برنامه‌ریزی نقدینگی بانک‌ها در دو سطح انجام می‌شود: سطح اول به مدیریت ذخایر، شامل الزامات حسابداری، رویه‌های محاسبه ذخایر قانونی و ... مربوط می‌شود. سطح دوم مدیریت نقدینگی شامل پیش‌بینی خالص وجوه مورد نیاز با توجه به عوامل روندی، فصلی، چرخه‌ای و رشد کلان بانک می‌باشد (موسویان و کاوند، ۱۳۸۹).

در نقدینگی دو جنبه باید مدنظر قرار گیرد: نقدینگی برنامه‌ریزی شده و نقدینگی پشتوانه. نقدینگی برنامه‌ریزی شده عبارت است از: پیش‌بینی نیازهای نقدی و برنامه‌ریزی برای تأمین وجوه نقد موردنیاز از طریق کاهش دارایی‌ها یا افزایش بدهی‌های جاری. نقدینگی پشتوانه عبارت است از: توان مقابله با نیازهای غیرمنتظره وجوه نقد. نیازهای غیرمنتظره به وجه نقد

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

مساوی خالص وجوه نقدی است که علاوه بر پیش‌بینی‌های اولیه در نظر گرفته می‌شود. این نیازها می‌تواند به دلایل مختلفی ایجاد شود. در برخی موارد، برای استفاده از فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری، وجوه نقد مورد نیاز است. چنانچه نتوان وجه نقد لازم را تأمین کرد، سودهای مربوط به این سرمایه‌گذاری‌ها از دست خواهد رفت. به‌دلیل وجود ابهام‌های کلی مربوط به گردش وجوه، مدیران مالی معمولاً نقدینگی عمده‌ای را نگهداری می‌کنند (اسدی کمجانی و همکاران، ۱۳۹۷).

نگرش‌های مختلفی در زمینه اندازه‌گیری نقدینگی وجود دارد که آنها را می‌توان در سه دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

- برخی از نویسندگان مدیریت مالی برای نشان دادن توانایی شرکت در انجام تعهدات کوتاه‌مدت صرفاً وجه نقد و اوراق کوتاه‌مدت قابل‌فروش را مورد توجه قرار می‌دهند. این نویسندگان سایر دارایی‌های جاری از جمله موجودی کالا و مطالبات را در تعیین وضعیت نقدینگی مؤثر نمی‌دانند.

- برخی دیگر از نویسندگان کلیه دارایی‌های جاری اعم از دارایی‌هایی که کاملاً نقد یا شبه‌نقد هستند و دارایی‌هایی که نقد نیستند ولی قابلیت نقد شدن در دوره‌های کوتاه‌مدت را دارند در تعیین وضعیت نقدینگی شرکت مؤثر می‌دانند.

- عده‌ای دیگر از نویسندگان ضمن اینکه کلیه دارایی‌های جاری را مؤثر می‌دانند، همه امکانات و دارایی‌های شرکت را تعیین‌کننده وضعیت نقدینگی می‌دانند. اگر شرکت دارایی‌های ثابت غیرعملیاتی داشته باشد که در دوره کوتاه‌مدت بتواند به راحتی تبدیل به نقد شود یا اگر شرکت دسترسی سریع به منابع مالی بانکی داشته باشد یا فرصت استفاده از اعتبار در حساب جاری داشته باشد همگی بیانگر قدرت نقدینگی شرکت هستند (عربصالحی و همکاران، ۱۳۹۱).

۴- روش تحقیق

در این تحقیق سعی شده است به بررسی تأثیر مازاد منابع بر تغییرات قیمت سهام و عملکرد بانک‌ها بر مبنای شاخص کمل[1] پرداخته شود و با آگاهی از شدت و کیفیت تأثیرگذاری آنها روی تصمیمات سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران، کنترل مناسبی بر نظام نقدینگی بانک داشته باشیم. از این رو، این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش تحقیق، همبستگی می‌باشد. به عبارت دیگر، در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای آماری تأثیر مازاد منابع طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ و در مقاطع پایان هر سال بر تغییرات قیمت سهام و عملکرد بانک‌ها بر مبنای شاخص CAMEL مورد بررسی قرار گرفته تا میزان تأثیرپذیری متغیرهای وابسته (تغییرات قیمت سهام و عملکرد بانک‌ها) از متغیر وابسته (مازاد منابع) مشخص گردد. این امر سبب کنترل دقیق‌تر و اعمال مدیریت در نحوه و میزان جذب منابع در بانک‌ها و همچنین اتخاذ تصمیمات منطقی‌تر سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران می‌گردد.

برای انتخاب جامعه آماری به بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق‌بهادار تهران رجوع شده است؛ زیرا اولاً اطلاعات بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق‌بهادار تهران توسط حسابرسان رسمی معتمد سازمان بورس اوراق‌بهادار حسابرسی می‌شود، بنابراین نسبت به اطلاعات سایر بانک‌ها از قابلیت اتکای بیشتری برخوردار است. ثانیاً، دسترسی به اطلاعات این شرکت‌ها نسبت به اطلاعات سایر شرکت‌ها آسان‌تر است. براین‌اساس جامعه آماری این پژوهش تمامی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق‌بهادار شهر تهران بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ بوده است. نمونه پژوهش حاضر شامل ۲۲ بانک عضو بورس اوراق‌بهادار (بانک‌های پاسارگاد، انصار، تجارت، خاورمیانه، سینا، صادرات، کارآفرین، ملت، پارسیان، اقتصاد نوین، پست بانک،

1- CAMEL

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

انصار، حمکت، آینده، شهر، انصار، دی، سامان، سرمایه، ایران زمین، گردشگری و قرض‌الحسنه رسالت) می‌باشد.

مدل‌های مربوط به فرضیه‌های اصلی پژوهش به صورت زیر می‌باشد:

مدل فرضیه اول پژوهش

$$SPit = \alpha 0 + \beta 1FCFit + \beta 2Dividendit + \beta 3epsit + \beta 4Affiliatesit + \beta 5mixit + \varepsilon\ it$$

مدل فرضیه دوم پژوهش

$$CAMELit = \alpha 0 + \beta 1FCFit + \beta 2Dividendit + \beta 3epsit + \beta 4Affiliatesit + \beta 5mixit + \varepsilon\ it$$

متغیرهای وابسته پژوهش عبارتند از:

قیمت سهام بانک‌ها (SP): قیمت سهام همواره نمادی از ارزش روز یا بازار یک شرکت یا مؤسسه بورسی است. هرچه قیمت سهام یک شرکت از رشد بیشتری برخوردار باشد این پیام را به سرمایه‌گذاران می‌دهد که وضعیت سودآوری و نحوه عملیات شرکت یا بانک در حد مطلوبی است؛ به همین منظور بررسی تأثیر چند متغیر بر قیمت سهام که نشانگر ارزش نهایی و بازار شرکت است اهمیت پیدا می‌کند.

عملکرد بانک‌ها (CAMEL): این شاخص از معروف‌ترین شاخص‌های صنعت بانکداری است که از سال ۱۹۸۸ مورداستفاده بیشتر تحلیلگران و نهادهای رتبه‌بندی قرار گرفته است. این شاخص از بخش‌های کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، کیفیت مدیریت، درآمدها و نقدینگی تشکیل شده است که محاسبه هر کدام از این شاخص‌ها به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱- نحوه محاسبه شاخص‌های سنجش عملکرد مالی بانک‌ها (CAMEL)

عناصر کمل	نام متغیر	شرح محاسبه
سرمایه	نسبت کفایت سرمایه	سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک (آیین‌نامه کفایت سرمایه بانک مرکزی، ۱۳۸۲)
دارایی	نسبت بدهی	کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها (Sangmi & Nazir, 2010)
	کیفیت دارایی‌ها	دارایی‌های موزون شده بر اساس ریسک بر کل دارایی‌ها (Porawouw et al., 2014)
مدیریت	سرانه سود خالص	سود خالص تقسیم بر تعداد پرسنل (اکبری، ۱۳۷۹)
	درامد خالص به کل تسهیلات مالی	درآمد کل به کل تسهیلات مالی (Floro & Dymski, 2000)
سودآوری	حاشیه سود خالص	سود خالص به درآمد کل (اکبری، ۱۳۷۹)
نقدینگی	سپرده به دارایی‌ها	کل سپرده‌ها به کل دارایی‌ها (Babar & Zeb, 2011)
	کل وام به کل سپرده	نسبت کل وام‌ها به کل سپرده‌ها (Babar & Zeb, 2011)

متغیرهای مستقل پژوهش عبارتند از:

مازاد منابع بانک‌ها (FCF): تولید پول نقد عامل اصلی برای سرمایه‌گذاران بالقوه‌ایی است که به دنبال سهام‌های مختلف می‌باشند. ارزش دارایی‌ها، سود سهام و قیمت سهام ممکن است عامل حیاتی باشد، اما بانکی که قادر به جذب و تولید پول نقد است، رشد این عوامل را افزایش خواهد داد. مازاد منابع باید یک شاخص تعیین قیمت سهام باشد. یک روش تعیین ارزش سهام، در نظر گرفتن نسبت قیمت سهام به FCF در هر شرکت است. با مقایسه نسبت قیمت سهام یک بانک به FCF آن بانک و سایر بانک‌ها و تجزیه‌وتحلیل ارزش نسبی در مقایسه با نسبت درآمد سنتی، قیمت‌ها تحلیل می‌شوند. بانک‌هایی

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

که مازاد نقدینگی کمتری دارند، معمولاً سهام آن‌ها از جذابیت کمتری برخوردار است.

نحوه محاسبه مازاد منابع بانک‌ها به شرح زیر است:

مازاد منابع بانک‌ها= مجموع خالص سپرده‌های بانکی + درآمدهای مشاع و غیرمشاع - سود پرداختی به سپرده‌ها - تسهیلات اعطایی - مالیات بر درآمد - سود سهام پرداختی

متغیرهای کنترلی پژوهش عبارتند از:

سود تقسیمی (Dividend): سیاست‌های سود سهام یک تصمیم مالی حیاتی است که شامل پرداخت سهامداران در بازده سرمایه‌گذاری آن‌ها است. نسبت سود تقسیمی که به عنوان یک درصد از درآمد محسوب می‌شود، عامل مهمی در سیاست‌های سود سهام است. یک بانک می‌تواند تصمیم نسبت به پرداخت کم یا زیاد داشته باشد. نسبت سود کم، سود سهام کمتری را به سهامداران پرداخت می‌کند که منجر به افزایش جریان‌های نقدی آزاد و ایجاد فرصت جهت سرمایه‌گذاری بانک و کسب سود بالای ناشی از سرمایه‌گذاری جهت بانک می‌شود، اما پرداخت سود کم سهام، منجر می‌شود که تعداد اندکی از سرمایه‌گذاران مایل به سرمایه‌گذاری در بانک‌هایی شوند که سود تقسیمی کمی دارند، در حالی که نسبت سود بالا منجر به کاهش جریان‌های نقدی آزاد، کاهش درآمد کمتر و افزایش قیمت سهام می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاران بیشتر مایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که سود سهام بالا را به دلیل جذابیت سهام به خریداران بالقوه پیشنهاد می‌کنند تا قیمت سهام افزایش یابد (Lampe & Sutton, 1994) .

تصمیمات مدیران بانک‌ها معمولاً بر قیمت سهام اثر می‌گذارد. هنگامی که یک مدیر بانفوذ بانک، تصمیم می‌گیرد که مجمع فوق‌العاده را تشکیل دهد، ممکن است موجب شک و تردید در ذهن عموم مردم در مورد ثبات مالی شرکت شود، در نتیجه می‌تواند موجب افت قیمت سهام آن بانک شود؛ زیرا سرمایه‌گذاران ممکن است از سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری در آن بانک خودداری کنند. تصمیماتی که مدیران بانک‌ها در بخش‌های مختلف کسب‌وکار اعمال می‌کنند، بر سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران و قیمت سهام اثر می‌گذارد. چشم‌انداز استراتژی جدید رشد، گسترش به بازارهای جدید و معرفی محصولات جدید به طور مثبتی بر قیمت سهام یک بانک تأثیر می‌گذارد؛ زیرا سرمایه‌گذاران، استراتژی‌های پیاده‌سازی‌شده مدیر را تفسیر می‌کنند و بنابراین قیمت سهام بانک را افزایش می‌دهد که منجر به افزایش سودآوری بانک می‌شود.

سود هر سهم (EPS): سود هر سهم نشان‌دهنده بخشی از سود بانک است که قابل‌توزیع و اختصاص به هر سهم است. اکثریت سرمایه‌گذاران، تصمیم سرمایه‌گذاری خود را براساس سود هر سهم یک بانک تعیین می‌کنند و این امر عامل اصلی تعیین قیمت سهام می‌باشد. سود هر سهم از تقسیم درآمد خالص یک بانک بر میانگین سهام حاصل می‌شود. سود هر سهم یک ریسک حیاتی از قیمت سهام است. بانکی که درآمد قابل توجهی برای هر سهم دارد، افزایش قیمت سهام خود را به میزان قابل‌توجهی خواهد داد؛ زیرا قیمت سهام بالاتر منجر به ایجاد تصور مثبت از محصولات بانک در ذهن مشتریان خواهد شد و منجر به تقاضای زیاد، افزایش فروش و درآمد بیشتر خواهد شد. با این حال هنگامی که یک بانک درآمد پایین‌تری به ازای هر سهم داشته باشد، قیمت سهام پایین را تجربه می‌کند (Khan et al., 2014).

معاملات داخلی (Affiliates): معامله با اشخاص وابسته (شرکتداری بانک‌ها) عامل مهمی است که بر قیمت سهام بانک تأثیر می‌گذارد. این بخش بیشتر از بخش کوچکی از سرمایه‌گذاران هستند که یا مدیران بانک یا افراد نزدیک به مدیریت بانک هستند که ممکن است منجر به ایجاد سود عظیمی به نفع افراد وابسته گردد. با این وجود انجام معاملات با افراد وابسته حتی با وجود سودآوری، عملی غیراخلاقی و غیرمنصفانه است؛ زیرا تعداد اندکی از سرمایه‌گذاران بیش از دیگران مزیت خواهند برد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

متغیر ترکیبی (Mix3): برابر است با میانگین متغیرهای رشد اقتصادی (GDP)، نرخ تورم (Inflation)و نرخ ارز (Currency) که بر مبنای عدد یک همگن شده‌اند. با توجه به اینکه تعداد سال‌های پژوهش در این مقاله، چهار سال می‌باشد و مقدار متغیرهای عنوان شده در بالا برای هر سال، عدد ثابتی را نشان می‌دهند؛ لذا نمی‌توان هر سه متغیر را به‌طور همزمان وارد مدل رگرسیونی کرد. در این صورت میزان هم‌خطی بین متغیرها بسیار بالا بوده و نتایج پژوهش کاذب خواهد بود؛ به همین منظور متغیرهای مربوطه، در قالب یک متغیر واحد وارد مدل شده و به اصطلاح همگن شده‌اند. برای این منظور، میانگین هرکدام از متغیرهای محاسبه شده و سپس نسبت عدد یک به آن میانگین محاسبه شده که ضریبی مختص هر سال شرکت به دست آمده است. برای سایر متغیرها نیز این فرایند تکرار شده، سپس از هر سه ضریب به‌دست آمده برای هر سال شرکت، میانگین به‌دست آمده و به عنوان متغیر ترکیبی در مدل پژوهش قرار گرفته است.

رشد اقتصادی (GDP): رشد اقتصادی نمایانگر تغییر مثبت در تولید یا تولید اقتصاد کشور در رابطه با تورم است. این به عنوان یک افزایش درصد در تولید ناخالص داخلی یک اقتصاد معین محاسبه و تورم نیز در محاسبات آن، محاسبه می‌شود. رشد اقتصادی مثبت، نشانه‌ای از اقتصاد ثروتمند است که در نتیجه افزایش تولید کالاها و خدمات افزایش می‌یابد و بنابراین افزایش قیمت سهام بانک‌ها موجب افزایش سود آن‌ها می‌شود و به کاهش بیکاری و افزایش رونق اقتصاد کمک می‌کند.

نرخ تورم (Inflation): تورم به دلیل افزایش مداوم قیمت کالاها و خدمات در برابر سطح عادی قدرت خرید است و به همین دلیل عرضه کالاها و خدمات همراه با کاهش ارزش پول کاهش می‌یابد. سطح بالای نرخ تورم، یک بحران مالی را پیش‌بینی می‌کند که منجر به افزایش عرضه و کاهش قیمت سهام آن‌ها می‌شود (Chambers, 2014).

نرخ ارز (Currency): به نرخی اشاره دارد که در آن پول یک کشور را می‌توان به پول دیگری از کشور دیگری تبدیل کرد. عوامل مختلفی مانند تورم و ثبات نرخ بهره یک کشور می‌توانند بر نرخ ارز تأثیرگذار باشند. افزایش نرخ ارز می‌تواند هزینه واردات را افزایش دهد که منجر به افزایش قیمت‌های داخلی شده و در نتیجه منجر به افزایش قیمت سهام می‌شود (IIA, 2013) . به منظور محاسبه نرخ ارز از میانگین وزنی رشد نرخ ارز کشورهایی که کشور ایران بیشترین مبادلات را با آنها داشته استفاده شده است.

۵- یافته‌های تحقیق

فرضیه اصلی اول پژوهش: وجود مازاد منابع منجر به افزایش قیمت سهام در بانک‌ها می‌شود.

مدل فرضیه اصلی اول پژوهش عبارت است از:

$$SPit = \alpha 0 + \beta 1FCFit + \beta 2Dividendit + \beta 3epsit + \beta 4Affiliatesit + \beta 5mixit + \varepsilon\ it$$

جدول ۲- خلاصه نتایج آماری آزمون مدل فرضیه اصلی اول پژوهش

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)	VIF
FCF (مازاد منابع)	-0.799483	0.427174	-1.871563	0.0681	1.233514
DIVIDEND (سود تقسیمی)	-0.361210	0.220405	-1.638847	0.1085	1.353987
EPS (سود هر سهم)	1.23E-05	1.15E-05	1.068143	0.2914	1.342058
MIX (ارز، تورم ، رشد)	0.187701	0.024419	7.686577	0.0000	1.231468
AFFLIATES (معاملات داخلی)	-1.428657	0.416890	-3.426943	0.0014	1.274129
C (عرض از مبدأ)	-0.101110	0.133646	-0.756547	0.4534	-----
آماره F فیشر (سطح معنی‌داری)	۱۲.۵۱۹۴۷ ۰.۰۰۰۰	آماره دوربین واتسن		۲.۳۲۲۸۷۵	
ضریب تعیین	۰.۸۵۳۴۳۷	ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۷۸۵۲۶۸	

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

هم‌خطی وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم‌خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل، همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است با وجود بالا بودن، مدل از اعتبار بالایی برخوردار نباشد. با توجه به نتایج، مقدار VIFبرای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۵ (VIF<5) می‌باشد؛ بنابراین بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد. بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد.

همچنین قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به‌دست‌آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰/۰۰۰۰) می‌توان ادعا کرد که مدل رگرسیونی برازش‌شده معنادار است.

با توجه به ضریب تعیین مدل برازش‌شده می‌توان گفت که حدود ۸۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (قیمت سهام) توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

همچنین باید از نبود خودهمبستگی در مدل که از شروط رگرسیون خطی کلاسیک است اطمینان حاصل نمود. با بررسی آماره دوربین واتسون مدل می‌توان این شرایط را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. اگر این آماره بین (۲/۵-۱/۵) باشد می‌توان اینگونه اظهارنظر کرد که مدل دارای مشکل خودهمبستگی نمی‌باشد. با توجه به آماره دوربین واتسون که برابر با مقدار ۲/۳۲ است این فرض مهم رگرسیون مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ضریب برآوردی متغیر در جدول بالا نشان‌دهنده عدم‌وجود رابطه معنادار میان مازاد منابع و قیمت سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه‌شده برای ضریب این متغیر مستقل پژوهش، بیشتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین مازاد منابع و قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اصلی اول پژوهش در سطح معنای ۵ درصد رد می‌شود.

ضریب برآوردی متغیر کنترلی (DIVIDEND سود تقسیمی) در جدول ۲ نشان‌دهنده نبود رابطه معنادار میان سود تقسیمی و قیمت سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل پژوهش، بیشتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین سود تقسیمی و قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد.

ضریب برآوردی متغیر کنترلی (EPS سود هر سهم) در جدول ۲ نشان‌دهنده نبود رابطه معنادار میان سود هر سهم و قیمت سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل پژوهش، بیشتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین سود هر سهم و قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد.

ضریب برآوردی متغیر کنترلی MIX در جدول ۲ نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان ترکیب نرخ ارز، تورم و رشد اقتصادی و قیمت سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر پژوهش، کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین ترکیب نرخ ارز، تورم و رشد اقتصادی و قیمت سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

ضریب برآوردی متغیر کنترلی AFFILIATES (معاملات داخلی) در جدول ۲ نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار میان معاملات داخلی و قیمت سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر پژوهش، کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین معاملات داخلی و قیمت سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

فرضیه اصلی دوم پژوهش: وجود مازاد منابع منجر به بهبود عملکرد در بانک‌ها می‌شود.

مدل فرضیه اصلی دوم پژوهش عبارت است از:

$$CAMELit = \alpha 0 + \beta 1FCFit + \beta 2Dividendit + \beta 3epsit + \beta 4Affiliatesit + \beta 5mixit + \varepsilon\ it$$

جدول ۳- خلاصه نتایج آماری آزمون مدل فرضیه اصلی دوم پژوهش

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)	VIF
FCF (مازاد منابع)	0.027686	0.111213	0.248947	0.8046	1.233514
DIVIDEND (سود تقسیمی)	0.210098	0.084622	2.482774	0.0170	1.353987
EPS (سود هر سهم)	1.66E-06	3.27E-06	0.505798	0.6156	1.342058
MIX (ارز، تورم، رشد)	-0.019394	0.007475	-2.594284	0.0129	1.231468
AFFLIATES (معاملات داخلی)	0.343901	0.101044	3.403489	0.0015	1.274129
C (عرض از مبدأ)	2.149634	0.040811	52.67327	0.0000	-----
آماره F فیشر(سطح معنی‌داری)	۴.۷۰۷۵۵۹ ۰.۰۰۰۰۱۰	آماره دوربین واتسن		۱.۷۳۵۴۰۷	
ضریب تعیین	۰.۶۸۶۴۷۷	ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۵۴۰۶۵۳	

هم‌خطی، وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم‌خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد؛ بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است با وجود بالا بودن، مدل از اعتبار بالایی برخوردار نباشد. با توجه به نتایج، مقدار VIFبرای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۵ (VIF<5) می‌باشد. بنابراین بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد. بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد.

همچنین قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به‌دست‌آمده باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰/۰۰۰۰۱۰) می‌توان ادعا کرد که مدل رگرسیونی برازش‌شده معنادار است.

با توجه به ضریب تعیین مدل برازش‌شده می‌توان ادعا نمود حدود ۶۸ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (عملکرد بانک‌ها)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

همچنین باید از نبود خودهمبستگی در مدل که از شروط رگرسیون خطی کلاسیک است اطمینان حاصل کرد. با بررسی آماره دوربین واتسون مدل می‌توان این شرایط را مورد تجزیه‌وتحلیل قرار داد. اگر این آماره بین (۱/۲-۵/۵) باشد می‌توان این گونه اظهارنظر کرد که مدل دارای مشکل خودهمبستگی نمی‌باشد. با توجه به آماره دوربین واتسون که ۱/۷۳ است این فرض مهم رگرسیون تأیید می‌شود.

ضریب برآوردی متغیر مستقل در جدول ۳ نشان‌دهنده نبود رابطه معنادار میان مازاد منابع و عملکرد بانک‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل پژوهش، بیشتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین مازاد منابع و عملکرد بانک‌ها، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اصلی دوم پژوهش در سطح معنای ۵ درصد رد می‌شود.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

ضریب برآوردی متغیر کنترلی (DIVIDEND سود تقسیمی) در جدول ۲ نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار میان سود تقسیمی و عملکرد بانک‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل پژوهش، کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین سود تقسیمی و عملکرد بانک‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

ضریب برآوردی متغیر کنترلی (EPS سود هر سهم) در جدول ۳ نشان‌دهنده نبود رابطه معنادار میان سود هر سهم و عملکرد بانک‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل پژوهش، بیشتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین سود هر سهم و عملکرد بانک‌ها، رابطه معناداری وجود ندارد.

ضریب برآوردی متغیر کنترل MIX در جدول ۳ نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار میان ترکیب نرخ ارز، تورم و رشد اقتصادی و عملکرد بانک‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر پژوهش، کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین ترکیب نرخ ارز، تورم و رشد اقتصادی و عملکرد بانک‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

ضریب برآوردی متغیر کنترلی AFFILIATES (معاملات داخلی) در جدول ۳ نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان معاملات داخلی و عملکرد بانک‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر پژوهش، کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین معاملات داخلی و عملکرد بانک‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

ازآنجایی که مازاد منابع بانک‌ها به‌عنوان بخشی از دارایی‌های بدون بازده آنها مطرح هستند، مدیریت آنها با سایر تصمیمات بانک‌ها از جمله سرمایه‌گذاری‌ها، مشارکت‌ها، اعطای تسهیلات و ... در ارتباط خواهد بود. بانک‌ها برای افزایش قیمت سهام و بهبود عملکرد، لازم است مازاد منابع خود را برآورد و سرمایه‌گذاری و برای تأمین کمبود منابع، با حداقل هزینه، برنامه‌ریزی کنند. بدین منظور باید شناخت مناسبی از تأثیر مازاد منابع بر تغییرات قیمت سهام و عملکرد بانک را به‌دست آورند؛ لذا با توجه به تئوری تأثیرگذاری اطلاعات بر قیمت سهام انتظار می‌رود که مازاد منابع باید یک شاخص تعیین قیمت سهام باشد، ولیکن با توجه به شرایط خاص کشور ایران و عواملی که در این پژوهش موردبررسی قرار نگرفته است، نتایجی متفاوت از انتظارات حاصل شده است.

در فرضیه اول پژوهش، به بررسی اینکه وجود مازاد منابع منجر به افزایش قیمت سهام در بانک‌ها می‌شود یا خیر پرداخته شد. براساس یافته‌های به‌دست آمده از آزمون فرضیه نشان می‌دهد وجود مازاد منابع منجر به افزایش قیمت سهام در بانک‌ها نمی‌شود. در توجیه این نتیجه می‌توان شرایط ویژه بازار سرمایه ایران طی ادوار گذشته و متأثر شدن از تحریم‌های بین‌المللی را دلیلی بر تفاوت نتیجه پژوهش با پژوهش‌های بین‌المللی دانست.

در فرضیه دوم پژوهش به بررسی اینکه وجود مازاد منابع منجر به بهبود عملکرد در بانک‌ها می‌شود یا خیر، پرداخته شده است. براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه نشان می‌دهد مازاد منابع، فاقد هرگونه ارتباطی با عملکرد بانک‌ها است و لذا وجود مازاد منابع نمی‌تواند معیاری مناسب برای ارزیابی عملکرد یک بانک بر مبنای شاخص CAMEL در ایران باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

- لزوم هدایت منابع مازاد بانک‌ها به سمت صنعت و تولید با هدف افزایش رفاه مردم در شهرها
- ارزیابی مستمر عملکرد مدیران بانک‌ها در چگونگی استفاده و بهره‌برداری از منابع در اختیار بانک‌ها
- نظارت بیشتر سازمان بورس بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و لزوم افشای به‌موقع موارد دارای اهمیت
- الزام کلیه بانک‌ها مبنی بر انطابق عملکرد آنها با شاخص CAMEL
- انطباق قوانین و مقررات بانکی با مقررات بین‌المللی.

۷- منابع

احمدیان، اعظم. (۱۳۹۲). *ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری در ایران*. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

اسدی کمجانی، پریسا؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله؛ براداران حسن‌زاده، رسول. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر اجزای منابع بانک نمونه ایران بر نقدینگی آن. *نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۳۷، ۱۱۱-۱۳۲.

اسماعیل‌زاده، علی؛ جوانمردی، حلیمه. (۱۳۹۶). طراحی الگویی مناسب مدیریت نقدینگی و پیش‌بینی ریسک آن در بانک صادرات ایران. *نشریه اقتصاد مالی*، ۱۱(۳۹)، ۱۹۱-۱۷۱.

اکبری، فضل‌الله. (۱۳۷۹). تجزیه‌وتحلیل صورت‌های مالی. *نشریه حسابداری برق*. شماره ۲۴، ۵-۱.

آیین‌نامه کفایت سرمایه بانک مرکزی. (۱۳۸۲).

بزرگ اصل، موسی؛ برزیده، فرخ؛ صمدی، محمدتقی. (۱۳۹۷). تأثیر ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران؛ رهیافت رگرسیون چندک. *نشریه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۱(۳۸)، ۱-۱۳.

چگینی، پرویز. (۱۳۹۲). *تأثیر مازاد نقدینگی بر بازده سهام eps واقعی و پیش‌بینی و dps*. پایان‌نامه دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

دلقندی، سیدابوالفضل؛ ایزی، مهدی. (۱۳۹۵). تأثیر شاخص‌های درون بانکی و عوامل اقتصادی بر نقدینگی بانک‌های غیردولتی. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*.

رستمی، علی؛ سلیمان‌زاده، مینا. (۱۳۹۴). طراحی مدل مدیریت نقدینگی بانک ملت با استفاده از برنامه‌ریزی آرمانی. *کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*.

عربصالحی، مهدی؛ مؤیدفر، رزیتا؛ کریمی، سجاد. (۱۳۹۱). تأثیر ریسک محیط، استراتژی شرکت و ساختار سرمایه بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه حسابداری مالی*، ۳(۱۳)، ۴۷-۷۰.

علم‌الهدی، سید سجاد. (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی و ریسک، یک تحلیل تطبیقی. *نشریه اقتصاد مالی*، ۱۲(۴۴)، ۶۹-۸۶.

فرامرزی پارسا، هادی؛ صدری، پروین. (۱۳۹۵). رابطه مدیریت نقدینگی با سودآوری بانک‌های تجاری (موردمطالعه بانک پاسارگاد). *چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری*.

لعل خضری، حمید؛ دشتبانی، علی. (۱۳۹۸). تأثیر مدیریت نقدینگی بر عملکرد (سودآوری) بانکداری بدون ربا در ایران: مطالعه موردی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۲۹، ۱۲۱-۱۴۶.

موتمنی، علیرضا؛ جوادزاده، محمد؛ مهدی، تیزفهم. (۱۳۸۹). ارزیابی عملکرد راهبردی بانک‌ها. *نشریه مطالعات مدیریت راهبردی*، ۱(۱)، ۳۸-۲۳.

موسویان، سیدعباس؛ کاوند، مجتبی. (۱۳۸۹). مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی. *نشریه معرفت اقتصادی*، ۲(۳)، ۶۳-۳۵.

یزدان‌پناه، احمد؛ عباسی پشتهانی، زهرا. (۱۳۸۸). پیش‌بینی منابع نقدینگی بانک‌ها (مطالعه موردی بانک اقتصاد نوین). *مجله مطالعات مالی*، شماره ۲، ۱-۲۸.

Babar, H. Z., & Zeb, G. (2011). CAMELS rating system for banking industry in Pakistan: Does CAMELS system provide similar rating as PACRA system in assessing the performance of banks in Pakistan?.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]
[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]

Bassey, G. E., & Moses, C. E. (2015). Bank profitability and liquidity management: A case study of selected Nigerian deposit money banks. *International Journal of Economics, Commerce and Management*, *3*(4), 1-24.

Chambers, R. (2014). We can audit anything–But not everything. *Internal Auditor*.

Dabiri, M. A. O., Yusof, R. M., & Wahab, N. A. (2017). Profitability and liquidity of Islamic banks in the United Kingdom. *Asian Journal of Multidisciplinary Studies*, *5*(4), 66-71.

Floro, M., & Dymski, G. (2000). Financial crisis, gender, and power: An analytical framework. *World Development*, *28*(7), 1269-1283.

IIA. (2013). The three lines of defence in effective risk management and control.

Khan, R. A., & Ali, M. (2016). Impact of liquidity on profitability of commercial banks in Pakistan: An analysis on banking sector in Pakistan. *Global Journal of Management and Business Research*.

Khan, T. R., Islam, M., Choudhury, T. T., & Adnan, A. M. (2014). How earning per share (EPS) affects on share price and firm value.

Lampe, J. C., & Sutton, S. G. (1994). Evaluating the work of internal audit: a comparison of standards and empirical evidence. *Accounting and Business Research*, *24*(96), 335-348.

Mwizarubi, M., Singh, H., & Prusty, S. (2015). Liquidity-Profitability Trade-off in Commercial Banks: Evidence from Tanzania. *Research Journal of Finance and Accounting*, *6*(7), 93-100.

Porawouw, M. A., Pangemanan, S. S., & Mekel, P. A. (2014). The Application Of Camel Model On Banks Listed In Indonesia Stock Exchange Period 2008-2010. *Jurnal EMBA: Jurnal Riset Ekonomi, Manajemen, Bisnis dan Akuntansi*, *2*(1).•

Sangmi, M. U. D., & Nazir, T. (2010). Analyzing financial performance of commercial banks in India: Application of CAMEL model. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences (PJCSS)*, *4*(1), 40-55.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-02-18]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.35.2.2]

[DOI: 10.52547/iueam.9.35.23]